تقریر درس

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین

صفحه ۳۴۶ آیه ۶۳. واقعا این آیه مطلب دارها؛ ما دیشب فقط تونستیم چهار کلمه‌اش رو بگیم: «بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرَةٍ مِنْ هَذَا». گفتیم این‌هایی که فاصله می‌گیرند از راه راست، از رهبران حقیقی، از چهره‌های فرهیخته فاصله می‌گیرند، می‌دونید چرا؟ چون این‌ها بی‌خبرند از این مسائل. از این ارزش‌های الهی این‌ها بی‌اطلاع‌اند، این‌ها بی‌خبرند. واقعا هیچ اطلاعی ندارند از این ارزش الهی. کسی که با این ارزش‌ها مطلع باشه، هرگز فاصله نمی‌گیره. این دیشب آیه رو جوری صحبت کردیم که دیگه حفظ بشیم. اما ادامه‌اش عجیبه. من خواهشم اینه که همه عزیزانی که از کانال منو می‌بینند، همه عزیزانی که بعدا گوش می‌دند، خواهشم اینه که ببینی قرآن ما چقدر عمیقه، چه جوری حاضر می‌شید قرآن ما رو بذارید کنار. ادامه‌اش ببینید: «وَلَهُمْ أَعْمَالٌ مِنْ دُونِ ذَلِكَ»، اینجا یه ویرگول می‌خواد، دوباره: «هُمْ لَهَا عَامِلُونَ». اونجا یه ویرگول می‌خواد: «هُمْ لَهَا عَامِلُونَ».

حالا شما نگاه کنید ترجمه ساده‌اش اینه: «وَلَهُمْ»، برای این گروهی که غافل از ارزش‌های الهی‌اند، «أَعْمَالٌ»، متاسفانه یه سری اعمالی هست که «مِنْ دُونِ ذَلِكَ». خب، این اعمال «مِنْ دُونِ ذَلِكَ». در واقع این «مِنْ» منِ منشأه. از چه منشأی برمی‌خیزد؟ «مِنْ دُونِ ذَلِكَ». حالا این «مِنْ دُونِ» خودش بحثه. این «مِنْ دُونِ» رو اینجوری معنا کردند: غیر از بی‌خبری. اینجوری ترجمه کردند دوستان، نگاه کنند ترجمه‌ها رو. درسته ولی من یه ترجمه دیگه دارم: این همه اعمال زشت منشأش از چیه؟ از همین بی‌خبریه. چون از ارزش‌های الهی بی‌خبرند، این‌ها خدمتتون عرض کنم منشأش از کجاست؟ این «مِنْ» منِ نشویه است. منشأش از کجاست؟ منشأ این «مِنْ ذَلِكَ»، «ذَلِكَ» یعنی همون غمره. غمره دیشب گفتیم یعنی بی‌خبری؛ از اون بی‌خبریه. بعد حالا این ویرگول تموم شد: «هُمْ لَهَا عَامِلُونَ». «هُمْ» یعنی همین کفار، همین بی‌دین‌ها، «لَهُمْ لَهَا عَامِلُونَ»، متاسفانه «لَهَا»، «لَهَا» یعنی چی؟ یعنی همین اعمال زشت، ضمیر می‌خوره به این اعمال؛ به این اعمال زشت «عَامِلُونَ»، علی‌الدوام مستمرا عمل می‌کنند. حاضر نیستند یه ذره فکر

کنند که به خدا برگردند. خب یه خرده دست بردارید دیگه از این کارهای زشتتون، از این اعمال پوچتون دست بردارید. این مستمرا اینجوری‌اند.

درست شد؟ پس این ترجمه‌ایه که حاج حسین انصاریان داره، دیگران این ترجمه رو دارند. ترجمه من فرق می‌کنه. ما چی می‌گیم؟ بنده این «ذَلِکَ» رو می‌زنم به همون ارزش‌های الهی. یعنی به همون صفات. یعنی اون صفات ارزش‌های الهی چی بود؟ یک، خشیت. آدم‌هایی که فضایل الهی دارند فضیلت‌شون اینه که از خدا می‌ترسند. دو، احاطه بر ایمان، ایمان‌شون ماشاالله گسترده است، خیلی بالاست. سه، امانت‌دارند، کارهای خیر انجام می‌دند، تو خوبی‌ها قدم برمی‌دارند، از زشتی‌ها کارهای ناشایست متنفرند. هان؟ حالا ما اینجوری معنا می‌کنیم، می‌گیم: «وَلَهُمْ»، یعنی برای این کفار، یعنی برای اینی که مخالف اهل بیت است و معاند است و اراذل و اوباش است و این‌ها، «أَعْمَالٌ» یک سری اعمالی‌ه که منشأش چیه؟ «دُونَ ذَلِکَ». منشأش غیر از اون ارزش‌های الهیه. متوجه هستی؟ متاسفانه غیر از... اون اعمال چه اعمالی‌ه؟ این «مِنْ» می‌شه دیگه نشویه نمی‌شه، این می‌شه بیان. اون اعمال زشت چیه؟ «مِنْ دُونِ ذَلِکَ». اون اعمال زشت «مِنْ دُونِ» عبارت است از، اینجوری باید ترجمه کنیم، عبارت است از چی؟ از غیر اون خشیت، غیر اون فضایل، غیر اون ارزش‌های الهی متاسفانه علی‌الدوام هم گرفتار همین‌اند: «هُمْ لَهَا»، همین کفار دنبال این اعمال زشت، علی‌الدوام «عَامِلُونَ» بهش عمل می‌کنند. حال‌شون همینه. واقعا حال‌شون به همین چیزها وابسته است. عزیز دلم تا زمانی که خودشون رو نابود کنند و از بین برند. این ترجمه دومی‌ست که ما داریم. توجه فرمودید؟ استاد حاج آقای جوادی داره، ماها داریم. اون ترجمه‌ای معروفی‌ه، اون ترجمه ترجمه معروفی‌ه که تو قرآن‌ها نوشته شده. حالا اجازه بدید بعد از این مطلب براتون عرض کنم.

دوستان عزیزم، ببینید، ما الان که وقتی نگاه می‌کنیم همین الان تجمعات که می‌ریم همین‌هایی که مخالفین رهبری رو، مخالفین جمهوری اسلامی همین‌ها، فرق نمی‌کنه مال همین‌هاست دیگه، نگاه می‌کنیم سه صورت داره. سه صورت رو تو ذهن بسپارید. صورت اول، در مقابل جمهوری اسلامی صف‌آرایی کردند. کاملا صف‌آرایی کردند. جبهه مخالف تشکیل دادند، جبهه معاند تشکیل دادند. درسته؟ کمک گرفتند از خارج، از دشمن کمک گرفتند. حالا چه اعم از بازاری، روحانی، دانشگاهی فرقی نمی‌کنه، فریب خوردند دیگه. کمک گرفتند، همه طبقات. این یک. دوم این‌که عزیز دلم این‌ها صف‌آرایی با خود جبهه الهی نکردند، بلکه گرفتار یک سری از صفات پلید درونی‌اند، لذا نور رو از دست دادند. خودشون گرفتار بی‌خبری‌اند، این دو. سوم این‌که اساسا جبهه کفر و ایمان همیشه همین‌طوره. دو صف متقابل‌اند، این سه صورت. ما اگر صورت اول رو بیاریم، صورت اول چیه؟ اینه که آقا این‌هایی که با شما مقابل شما ایستادند، این‌هایی که

صف‌آرایی کردند مقابل شما، درسته؟ این‌ها رو می‌خواد اینجا بیان کنه. اگه این‌ها رو می‌خواد اینجا بیان کنه ترجمه ما می‌شه. ترجمه ما چی می‌شه؟ اینه که عزیز من این‌هایی که مقابل شما صف‌آرایی می‌شند این‌ها کسانی‌اند که صفاتی امثال خشیت ندارند، ترس خدا ندارند. دنبال خیرات الهی نیستند؛ خیرات یعنی ارزش‌ها، دنبال ارزش‌های الهی نیستند. این‌ها کاملا پلیدند، زشتند، اعمال‌شون، نیات‌شون کاملا خرابه، زشته. بعد اون دومی که داره اون دومی مال همین ترجمه این آقایونه. دومی اینه که عزیز من اصلا این‌ها بی‌خبرند؛ یعنی یعنی خبر ندارند از این ارزش‌ها. این‌هایی که بی‌خبرند از ارزش‌ها اون ترجمه دوم می‌شه. اون سومی چی می‌شه؟ اون سومی باز داخل همین اولی می‌آد. سومی چیه؟ اینه که دو جبهه کفر و ایمان با همدیگه همیشه درگیرند. مگه نه؟ اگر این‌جور هم بگیم بگیم دو جبهه کفر و ایمان همیشه با هم درگیرند باز می‌شه ترجمه اول ما. یعنی چه؟ یعنی این‌که می‌شه آقا این‌ها اگر با شما مخالفند صف‌آرایی کردند برای خاطر این‌که این‌ها کافرند. کافر مقابل مؤمن صف‌آرایی می‌کنه. گرفتار این صف‌آرایی هست، طبیعیه. شما هم باید بدونید. اینه که این‌جوری تفسیر ترجمه کردند.

خب، دوباره برگردیم به این «وَلَهُمْ». تفسیر اول اینه که تفسیر اول صف‌آرایی کفار در مقابل ارزش‌های الهی. درست شد؟ این‌جوری می‌شه: «وَلَهُمْ»، برای این کفار «أَعْمَالٌ»، یه اعمال زشتی‌ه. چیه؟ «مِنْ دُونِ ذَلِکَ». اون اعمال زشت چیه؟ غیر از اون اعمال، کدوم اعمال؟ اون‌هایی که مال مؤمنین بود، مال مؤمنین بود، غیر از اون‌هاست. «وَهُمْ لَهَا عَامِلُونَ»، این‌ها صف‌آرایی می‌کنند مرتب تلاش می‌کنند به این‌که بگن حجاب چیه، نماز چیه، قرآن چیه، مرتب می‌زنند. تمام عزیز دل من درگیری‌هایی رو ایجاد می‌کنند، همه شبهاتی ایجاد می‌کنند برای این‌که بتونند عزیز دل من در مقابل شما صف‌آرایی کنند. «وَهُمْ لَهَا عَامِلُونَ»، این‌ها مقابل شما صف‌آرایی می‌کنند مرتب؛ این دلالت بر استمراره. مرتب این کار رو می‌کنند. ببین خیلی ترجمه ساده و هم لها عاملون و ارزشمند، چقدر قشنگ هم جوان متوجه می‌شه.

من امروز قبل از این‌که خدمت شما برسم، خدمتتون عرض کنم که ساعت ۵ بود، بالاخره از کتابخونه اومدم بالا نشسته بودم این شبکه رو باز کردم، شبکه سه بود. دیدم دو تا جوون آوردند که کل بدنش تتو بود. و کار این‌ها هم تتو می‌کردند. بعد خدمتتون عرض کنم که خب توی سال ۴۰۱ هم توی این بودند. توی چیزهای دیگه هم بودند. یه دفعه این‌ها منحرف بودند برگشتند. چیزهایی می‌گفتند دقیقا همین چیزهایی که قرآن می‌گه. می‌گفت واقعا خدمتتون عرض کنم ما به خامنه‌ای ظلم کردیم. بعد رفتیم دیدیم بابا اون‌ها، این‌ها خارج هم رفته بودند، و امثال این‌ها طی همیشه کاری کردند تو ذهن این دو تا جوون گفتند ارزش مال ماست. ارزش مال آ سید علی و دیگران نیست. مثلا ایشون به ما گفتند که در چهل طبقه زیرزمین هست از ترس اسرائیل. به ما

گفتند که این الان لباس جمع کرده رفته روسیه پناهنده شده. به ما گفتند فلان، وقتی زدند دیدیم بیچاره بنده خدا خونه‌اش رو، زندگی‌اش رو همون تو خونه خودش با زبون روزه. دقیقا این‌جوریه صف‌آرایی می‌کنند مرتب‌ها؛ حواستون باشه خطرناکند. تو این صف‌آرایی هم جدی‌اندها. حتما توجه کنید این‌ها نورانیت‌شون، زندگی‌شون همینه. متوجه شدید؟ این تفسیر اول به نظرم تفسیر اول باید گسترش پیدا کنه چون الان به درد می‌خوره. شیخناالاستاد خیلی هم اصرار داشت تو این تفسیر و من هم اصرار دارم. ببین اصلا شما بخون تو خود آیه نگاه کن، اصلا ببین «وَلَهُمْ»، برای کفار «أَعْمَالٌ». خب اعمال چرا نکره اومده؟ شما طلبه‌اید چرا نکره اومده؟ هان؟ هر وقت نکره بیاد به معنای زشته. آها. «أَعْمَالٌ» یعنی صفات زشتی‌ه، عمل زشتی‌ه. معرفه، اگر «الْأَعْمَالَ» می‌گفت نه. «أَعْمَالٌ» یادتون باشه وقتی نکره می‌آد یعنی صفات زشت. اعمال زشتی‌ه که «مِنْ دُونِ»، «مِنْ» بیان می‌شه. اون اعمال چیه؟ «دُونِ ذَلِکَ». «دُونِ» یعنی غیر. غیر از اون ارزش‌های الهیه. بعد حالا که غیر ارزش‌های الهی ای کاش همون‌ها مثلا برن یه غلطی بکنند به خودشون شراب بخورند، ما رو چی‌کار دارید؟ ما جمهوری اسلامی چی‌کار دارید؟ می‌گه نه، «وَهُمْ لَهَا عَامِلُونَ»، کارشون همینه که با شما صف‌بندی کنند، بیان‌شون همینه، کارشون همینه علی‌الدوام با شما برخورد کنند. شهید عزیز ما آقای خامنه‌ای چند بار کراراً تو همون حسینیه امام فرمود خب بابا ما یه جایی خودمون هستیم با خودمون انقلاب کردیم، چی‌کار به ما دارید؟ فرمود خب به ما مثل بقیه کشورها داریم خودمون با هم زندگی می‌کنیم، چی‌کار به ما دارید؟ شما می‌گید ما دشمن نیستیم، خب پس به ما چی‌کار دارید؟ ما داریم با همدیگه رأی می‌دیم خودمون داریم با همدیگه چی‌کار به ما دارید؟ چند بار همین جمله رو فرمود. خیلی هم استدلال کرد گفت چی‌کار ما یه گوشه اینجا ایستادیم ما کاری به شما نداریم. شما همه جنگ رو می‌آرید منطقه. همه چیز رو می‌آرید منطقه، قراردادهاتون رو می‌آرید منطقه. خب می‌دونید که این‌ها سی ساله انقلاب دنبال این بودند که تمام مسائل تسلیحات‌شون و نظامی‌شون رو بیارند کجا؟ دبی یا نمی‌دونم همین دوروبر ما دیگه، این‌ور آذربایجان شوروی یا این‌ور الان هم ارمنستان و این‌ور، این‌ها اصلا دنبال این بود که روسیه رو اوه، اونجا هم همین دیگه، کاملا ما محاصره بشیم. مدتی هم آوردند طالبان رو آوردند کنار ما این‌ور مرز جنوبی ما، این‌ور آوردند شمال جنوبی ما این‌ور آوردند افغانستان، بازم اونجا نشد. یعنی کلا با هر کسی کشوری بود تا حالا از بین می‌رفت. ببین «وَهُمْ لَهَا عَامِلُونَ» صف‌بندی می‌کنند. این تفسیر اول.

تفسیر دوم هم که عزیزان نوشتند، تفسیر دوم اینه که منشأ تمام صفات زشتی‌ها می‌دونی چیه؟ چرا جوون اراذل و اوباش می‌شه؟ چرا خانم‌تون یه دفعه بی‌حجاب می‌شه؟ چرا دخترت بی‌حجاب می‌شه؟ منشأ جهله. منشأش بی‌خبریه عزیزم، بی‌خبریه. بنده خدا بی‌خبره، منشأش

بی‌خبریه همین. کاملا بهت بگم‌ها، بی‌خبری کار دست می‌ده. این تفسیر دومی‌ه که حاج آقا انصاریان نوشته، درست هم هست‌ها غلط نیست‌ها. نگاه و برداشت درستی‌ه. می‌خوام بگم داره. عین مثل همون آیه سوره هفت سوره نساء: «إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ». این‌هایی که گناه می‌کنند برای خاطر چیه؟ برای خاطر این‌که نمی‌دونند بی‌خبرند. لذا این‌ها می‌تونند توبه کنند، درِ توبه برای این‌ها بازه. می‌تونی براشون توبه کنی. ولی ما تفسیر ما چیه؟ ما تفسیرمون اینه که این‌ها توفیق به توبه پیدا نمی‌کنند. این‌ها اصلا وارونه شدند، کاملا حق رو وارونه کردند و باطل رو جایگزین حق کردند. تفسیر اول این می‌شه فقط. یعنی حق رو کاملا وارونه کردند این‌ها.

بر اساس تفسیر سوم هم که خدمتتون عرض خیلی بهش اصرار داریم، در تفسیر سوم اینه که عزیز دل من ترسیم دو خط متقابل کفر و ایمانه. آقایان! همیشه بدانید دو خط کفر و ایمان با همدیگه مقابل هم‌اند جنگ دارند دو تا مسیرند واقعا اینه. این‌ها مصداق همینه: «نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ»، همه بگید «أَنْفُسَهُمْ». این‌ها خدامحوری رو چون از دست دادند به خودمحوری رسیدند. هم خدامحوری را از دست دادند هم خودشون رو آقا محوری خودشون هم از دست دادند. یعنی هم خدا رو فراموش کردند هم خودشون رو فراموش کردند. در واقع این‌ها خواستند خدمتتون عرض به نقطه بارزی برسند در اون نقطه بارز خودشون گرفتار شدند. انسان مؤمن همیشه سعی‌اش اینه که در مسیر ظلمت نیفته. اگر در مسیر ظلمت بیفته اینه، لذا نهی کرده در سوره حشر، فرمود: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ». آقایان، مثل کسانی که خدا را فراموش کردند نباشید. چرا؟ چون اگه خدا رو فراموش کنید خودتونو فراموش کردید. من دارم تندتند این‌ها رو می‌گم که خودتون فراموش کردید. بگذرید من یه جمله‌ای رو از سهروردی بخونم که این استادم علامه خیلی به این شعر علاقه داشت. سهروردی می‌گه:

هان تا سررشته خرد گم نکنی
خود را از برای نیک و بد گم نکنی
جانم!
رهرو تویی راه تویی منزل تو
هشدار که راه خود به خود گم نکنی

به‌به! گرفتار همینی. راه خود به خود گم نکنی. خیلی حرفه.

واقعا عجیبه‌ها. ما تو این جمکران چند سالی که با آقای لطیفی بودیم یه خاطرات خیلی قشنگی دیدیم. بخوام هر شب نقل کنم تموم نمی‌شه. خیلی خاطرات این جمکران واقعیه‌ها، خیلی خاطرات عجیب. من رسیده بودم همین دری که مال الان این‌ور بازه، تازه این‌ها رو باز

کردند، دری که به سمت مسجد پیامبر اعظم بازه، تازه داشتند درست می‌کردند. دیدم که صف ایستادند گفتم خب من که کاره‌ای نبودم نه این‌که کاره‌ای بودم منتها به خاطر این‌که مثلا ارتباطاتی داشتم به من احترام می‌کردند. خادم اومد گفت آقا یه آقاییه سینه‌خیز می‌گه من از اینجا برم تا مسجد. این‌جوریه که این صف ایجاد شده. اینو بلندش کن، ما هر کار می‌خوایم بکنیم بلند نمی‌شه. یه طلبه معممی هم کنار ایشون ایستاده، اونم ازش سفت‌تر. طلبه‌ها که می‌دونی موجی می‌شند دیگه ول نمی‌کنند کارها رو. این خدمتتون عرض اینم همین‌طور. این لباس آدمو موجی می‌کنه. علامه حسن‌زاده می‌گفت این عمامه آدم‌ها رو تحریک می‌کنه. می‌گفت خیلی بده. به من گفتی که تو صف نونوایی برو عقب، غلط کردی، هیچ‌چیز آدم دیگه، نونوایی اسیر می‌شه از دستش بیچاره بنده خدا. یا تاکسی راننده نشسته بهش بگه که پول خرد بده می‌گه جوفنگی‌گری به من؟ عمامه عمامه! من چند جا منو منو سر کار گذاشت خود منو سر کار گذاشت این عمامه و قبا خیلی بده. یک‌جور آدمو عصبی می‌کنه. والله به خدا حواستون باشه ها علامه همیشه ما رو تذکر می‌داد می‌گفت این دراز قبا شما رو عصبی نکنه ها این دراز قبا آدمو حجاب می‌آره. یکی اینه یکی همین نماز جماعت هر روز غروب می‌ریم می‌آیم، جای‌جای ای وای از دست شما خسته‌ایم. این‌هایی که پیرمردهایی که بعد نماز جماعت زیاد می‌آن می‌رن تو تهرون یا جاهای دیگه از خانم‌هاشون می‌گن خدمتتون این برمی‌گردند می‌آن خونه یک‌سره عصبانی‌اند. چرا؟ چون یه نماز رفته خب بابا یه خورده عه نماز که آرام می‌شه. نه اصلا تو نمی‌فهمی یا سید عباس! این نماز جماعت این‌جوری می‌کنه ها؛ هی گاهی وقت‌ها این‌که می‌گن علم حجاب اکبره همینه. علم حجاب اکبره، می‌دونی که علتش این‌ها تواضع رو از انسان می‌گیره. حواستون باشه. والله به خدا قسم. الله اکبر! خیلی باید مواظب بود هیچ‌کار نداره. من رسیدم به این طلبه گفتم این بلندش کن. گفت گریه کرد طلبه من دیدم خیلی مؤدب بود، عمامه اینو حجاب نیاورد. گفت چشم آقا؛ این پدر منه پاکستانیه، ما یه خاطره داریم. گفتم که حالا یه ذره رفت بگو که اون نذرت ادا شد. گفت آقا پدرش بلند شد، بلند شد و خدمتتون عرض دیدم دیگه گریه می‌کرد بیچاره تو حال خودش.

گفت حدود یه ماه قبل ساعت ۱۲ شب بابام به من زنگ زد. از کجا؟ از پاکستان. حالا شهرش هم گفت. گفت که می‌تونی بری جمکران؟ گفتم الان؟ ۱۲ شبه. ما که ماشین ندارم، گفت هر جور هست برو. گفت چرا؟ گفت خواهرت رو جواب رد دادند. الان من کنارشم، بیمارستانم، این خواهر ۱۸ ساله‌ات رو هیچی، می‌گن تا صبح می‌میره. برو به امام زمان بگو، بگو من همین یه دونه دختر بیشتر ندارم، به من هدیه بده تو این شهر سنی به همه می‌گم این شفا یافته جمکرانه، نام تو اینجا برجسته بشه. منم بلند شدم با چه زحمتی اومدم جمکران، ۱۲ حرکت کردم از قم با اون

امکانات نبود که، اینی که من می‌گم سال ۷۱ ه دقیقا تاریخشو بگم. اومدم جمکران و گریه کردم تا نماز صبح هم خوندم و این‌ها و شب طولانی بود. برگشتم اومدم خونه دیدم خانمم می‌گه که دیر کردی، بابا الان چند بار زنگ زده. بعد من خودم زنگ زدم به پاکستان گفتم بابا چی شد؟ فکر کردم فوت کرده. گفتش که چه آقای خوبیه؛ گفتم چطور شد مگه؟ گفت یک‌دفعه خواهرم، خواهر جناب عالی، دخترم، خدمت زینب از خواب بیدار شد تو بی‌هوشی ها، گفت: بابا، بابا، رفتی گله منو و شکایت منو رفتی به جمکران امام زمان کردی؟ گفتم چی شد دخترم؟ گفت الان یه خانم قدخمیده‌ای اومد. بعد یکی هم بغلش داشت خانم بود، یکی هم آقا. گفتم خانم کی هستی که بغلش داری؟ گفت من زینبم. گفتم این کیه؟ گفت مادرم فاطمه است. گفتم چرا این بغلش داری؟ گفت مگه نمی‌دونی ضربه بهش زدند؟ همین‌طور. بعد گفتم این کیه؟ گفت که الان مسجد جمکران داداشته، این صاحب همون مسجده. داره بهش می‌گه که تو رو به جان مادرت فاطمه، داره بهش می‌گه تو رو به پهلوی شکسته مادرت. مادرم به من گفت که من اذیت می‌شم سریع منو ببرید بره. اون آقا فرمود مادر من محرمش نیستم دست به بدن؛ دست به بدن من کشیدن من یک‌دفعه از بی‌هوشی بیدار شدم. بابا من نمی‌میرم؛ بی‌بی به من گفت تو نمی میری چون هم اسمتم زینبه. اسمتم زینبه. لذا بگو من بهتون بگم، من نذر کردم از دمِ درِ مسجد جمکران تا خود مسجد سینه‌خیز برم. حالا شما می‌گید نذرت ادا شد ممنونتونم. حالا شما عالیمید و می‌دونید، گفتم بله همون چند لحظه‌ای که رفتی نذرت ادا شد. نذرت ادا شد. نذرت ادا شد همون چند لحظه.

خیلی ما معجزه دیدیم. یعنی واقعا جدی عرض می‌کنم‌ها اصلا عجیبه. این خاطره برای من نوشتم یادداشت کردم اسم طرف و فامیلی طرف و چاپ کردیم. جمکران چاپ کردیم. اون ۴۰ تا خاطره کتاب ۴۰ تا مال اون آقای قلندری یکیش اینه. چاپ کردیم اونجا. کاملا نوشتن این‌ها آوردند بالا و بعد خدمت یه چیزی می‌خوام بگم نمی‌خواستم گریه‌تون بیارم شب جشنه، فقط همین خواستم بگم گفت که امام زمان ازت گله کرد. گفت به داداشت طلبه گله کن. بگو جمکران که اومده منو به یاد پهلوی شکسته مادرم نندازه. این‌جوری منو قسم نده. گفت منو به این‌جوری قسم نده. جوری دیگر قسم بدید. بگید به عظمت مادرت، بگید به بزرگی مادرت، به شخصیت عظیم مادرت. پروردگارا این جلسه تفسیر رو از ما قبول فرما. غفر الله لنا و لکم ان شاء الله. السلام علیکم و رحمة الله.